

رابطه کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی معلمان زن شهر کرمانشاه

پریسا حیدری شرف^۱، رقیه نصرتی^۲، اسرا الروماحی^۳، راهله سیاه کمری^۴، منظر عباسی^۵، فاطمه رضایی^۶

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۲. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۳. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۴. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۵. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۶. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و پنجم، شهریورماه ۱۳۹۸، صفحات ۲۸-۱۷

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر تعیین رابطه کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی در معلمان زن شهر کرمانشاه بود. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و نمونه شامل ۲۶۹ نفر از جامعه مذکور بود که با استفاده از جدول مورگان و به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های کیفیت زندگی، تاب‌آوری کانر و دیویدسون و بخشندگی (FS) و مقیاس دل‌زدگی زناشویی پاینز و برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. نتایج تحلیل نشان داد که بین کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی رابطه منفی وجود دارد و کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی توانستند دل‌زدگی زناشویی را پیش‌بینی کنند. با توجه به اینکه کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی پیش‌بینی‌کننده‌های معناداری برای دل‌زدگی زناشویی هستند می‌توان با ایجاد چنین ظرفیت‌هایی دل‌زدگی زناشویی را کاهش داد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زندگی، تاب‌آوری، بخشندگی، دل‌زدگی زناشویی، معلمان.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و پنجم، شهریورماه ۱۳۹۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی
روانشناسی

مقدمه

هر فردی ابتدا و در شکل طبیعی‌اش رابطه زناشویی خود را با عشق و علاقه شروع می‌کند و حدس و گمان‌های اولیه او نیز در راستای حفظ و تداوم این رابطه است؛ اما گاهی پس از مدتی ممکن است زن یا شوهر یا هر دوی آن‌ها نسبت به عمق و شکل رابطه‌شان دچار تردید شوند و چون بین توقعات خود از زندگی و واقعیت‌های موجود در زندگی زناشویی‌شان هماهنگی لازم را نمی‌بینند، دچار سرخوردگی و دلزدگی^۱ شوند (خواصی، ۱۳۹۲). در واقع زوج‌ها درمی‌یابند که رفتار همسرشان آن چیزی نیست که انتظارش را داشته‌اند و پس از به وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قیل و بعد از ازدواج مقایسه می‌کنند (کایزر، ۱۹۹۳) و در پی آن، احساسات منفی، حالت غالب به خود می‌گیرد و به از دست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی، تعهد و نه ایستا بروز دلزدگی منجر می‌شود (پوکورسکا، فارل، ایوان شیتزکی و پیلائی، ۲۰۱۳). به‌زعم کایزر (۱۹۹۳) دلزدگی فقدان تدریجی دل‌بستگی عاطفی^۲ است که شامل کاهش توجه به همسر، بیگانگی عاطفی^۳ و افزایش احساس دل‌سردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر و حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رویارویی به زندگی‌شان معنا ببخشد و این حالت زمانی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه شوند علی‌رغم تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نخواهد داد (ون پلت^۴، ۲۰۰۹؛ پاینز و نانزه^۵، ۲۰۰۳؛ پاینز، ۱۹۹۶، ترجمه‌ی شاداب، ۱۳۸۱). از نظر لینگرن^۶ (۲۰۰۳) دلزدگی از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود. دلزدگی به علت ناکامی در عشق بروز می‌کند و

¹- disaffection

²- emotional attachment

³- emotional estrangement

⁴- Van Pelt

⁵- Pines & Nunes

⁶- Lingern

پاسخی است در برابر مسائل وجودی. انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی تجمع شدن رنجش‌های کوچک به بروز دلزدگی کمک می‌کند. شروع دلزدگی به‌ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی و به‌سختی از یک پدیده‌ی ناگوار یا حتی چند ضربه‌ی ناراحت‌کننده ناشی می‌شود (نعیم، ۱۳۸۷). در واقع انباشته شدن سرخوردگی‌ها و تنش‌های زندگی روزمره سبب فرسایش می‌شود و سرانجام به دلزدگی منجر می‌گردد. در یک ازدواج سرخورده یکی یا هر دو زوج ضمن تجربه احساس گسستگی از همسر و کاهش علائق و ارتباطات متقابل، نگرانی‌های قابل توجهی در خصوص تخریب فزاینده رابطه و پیشروی به سمت جدایی و طلاق دارند (شریفی، کارسولی و بشلیده، ۱۳۹۰). کایرز (۱۹۹۶) معتقد است با وجود اینکه تمامی ازدواج‌ها به‌نوعی سرخوردگی^۱ را تجربه می‌کنند، اما بسیاری از این ازدواج‌ها با کیفیت پایین ادامه یافته و زندگی متأهلی بی‌ثباتی را تشکیل می‌دهند که متمایل به فروپاشی است و مسلماً با فراوانی افکار و تصورات درباره جدایی همراه خواهد بود (شریفی و همکاران، ۱۳۹۰). اگر همسران نیازهای خود را مطرح نکنند و یا در ارتباط با یکدیگر به نیازهای هم پی نبرند و به راه‌حل مثبتی برای دستیابی به نیازهایشان نرسند؛ استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و در نهایت دلزدگی پیدا می‌کند (جکسون، والدسون و مور، ۱۹۸۰؛ به نقل از عطاری، حسین پور و راهنورد، ۱۳۸۸). ایس عنوان می‌کند که زوج‌ها کمتر به این فکر می‌کنند که ممکن است زمانی عشق افسانه‌ای آن‌ها کمرنگ شود و این درست زمانی است که دلزدگی آغاز شده است (ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴). کیفیت زندگی یکی از متغیرهای پیش‌بین در دلزدگی زناشویی است و از سوی دیگر روابط بین زن و شوهر از عوامل مهم در کیفیت زندگی است (برومن، ۱۹۸۸). حفظ زندگی به شکل معمول، مطلوب تلقی نمی‌شود، بلکه ارتقاء کیفیت زندگی در زمینه‌های متعدد تلاش اصلی جوامع تلقی می‌شود (نواچک و تیلور، ۱۹۹۲). کیفیت زندگی مفاهیم عمده‌ای را که موجب رضایت کلی از زندگی می‌شود در برمی‌گیرد. این مفاهیم شامل سلامتی، مسکن مناسب، اشتغال، امنیت شخصی و خانوادگی است (پترمن، ۲۰۰۸). ذکر این نکته

^۱- disaffection

لازم است که در بررسی کیفیت زندگی ارزیابی نگرش فرد درباره عملکردش در چندین بعد از زندگی (نوربرگ و همکاران، ۲۰۰۹) و ارزیابی اینکه به اعتقاد شخص کدام عوامل نقش بیشتری در کیفیت زندگی وی دارند، از اهمیت اساسی برخوردار است. در اغلب مطالعات این ابعاد شامل سلامت جسمانی، روانی، هیجانی، اجتماعی، احساس ذهنی سلامتی و توانایی کار کردن است (آلبرت و همکاران، ۲۰۱۰). داشتن زندگی با کیفیت مطلوب همواره آرزوی بشر بوده و هست. در طول سالیان متمادی یافتن مفهوم حقیقی زندگی خوب و چگونگی دستیابی به آن، افکار و مطالعات فلاسفه را به خود معطوف داشته است. بر همین اساس از آغاز تاکنون تعاریف گوناگونی از زندگی خوب و کیفیت زندگی از سوی اندیشمندان و محققین ارائه شده است (هانستد، ۱۹۹۹). سازمان بهداشت جهانی^۱ (۱۹۹۳) کیفیت زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: برداشت و درک افراد از موقعیت خود در رابطه با اهداف و نظام‌های ارزشی موردقبول آنان با توجه به شرایط عینی زندگی. کینگ و هیندس (۲۰۰۹)؛ به نقل از میرشمسی، ۱۳۸۸) نیز کیفیت زندگی را به معنای چگونگی زندگی می‌دانند که دربرگیرنده تفاوت‌های انحصاری افراد است و می‌تواند افراد را از یکدیگر متمایز گرداند. نتایج پژوهش گامریو و همکاران (۲۰۱۱)، نشان داد که بین رضایت زناشویی و کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و افزایش رضایت زناشویی باعث افزایش کیفیت زندگی در تمامی ابعاد آن می‌گردد. یکی از مفاهیم و سازه‌های بهنجار موردتوجه و مطالعه‌ی روان‌شناسی مثبت‌نگر، تاب‌آوری است و به فرایند پویای انطباق مثبت باتجربه‌های تلخ و ناگوار اطلاق می‌شود (لاتار و چیچتی، ۲۰۰۰؛ مستن، ۲۰۰۱) و فراتر از جان سالم به دربردن از استرس و ناملايمات زندگی است (بونانو، ۲۰۰۴). درواقع تاب‌آوری از سازه‌های بنیادی شخصیت است که دربرگیرنده قابلیت‌های فردی در رویارویی، عقب‌نشینی و ازسرگیری دوباره و تلاش و مقابله با مشکلات است (نادری، حیدری و مشعل پور، ۱۳۸۷). همچنین تاب‌آوری را به معنای مهارت‌ها و خصوصیات و توانمندی‌هایی تعریف می‌کنند که فرد را قادر می‌سازد با سختی‌ها، مشکلات و چالش‌ها

^۱- World Health Organization

سازگار شود. فرد تاب آور به طور عادی قادر به تفکر خلاقانه و منعطف درباره‌ی حل مسائل است، یعنی هر وقت که نیاز داشته باشد از افراد دیگر کمک می‌خواهد و در حل مشکلات مربوط به خود و دیگران کاردانی نشان می‌دهد. افراد تاب آور درجه‌هایی از سلامتی و استقلال را نشان می‌دهند. آن‌ها قادرند که خود فکر کنند و آن را عملی سازند. آن‌ها وقتی از محیط شان انتقاد دارند، قادر هستند که نظراتشان را به دیگران انتقال دهند. آن‌ها احساسات خوبی نسبت به اطرافیان دارند و توانایی هایشان را برای تغییر دادن محیط شان باور دارند (آلورد و همکاران، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه تاب‌آوری به عنوان یک مفهوم دویبعدی یعنی اهمیت ناگواری و سازگاری مثبت در نظر گرفته می‌شود، تاب‌آوری نیز می‌تواند بر روی کیفیت زندگی و ابعاد آن تأثیر گذار باشد (لوتار، ۲۰۰۶؛ تاگید و فردریکسون، ۲۰۰۴؛ کارل و چسیون، ۲۰۰۴).

همچنین بخشندگی^۱ به‌عنوان متغیری مؤثر در حل تعارضات زناشویی و افزایش رضایت زناشویی در نظر گرفته می‌شود (چانگ، ۲۰۱۴) و در روابط صمیمانه، باعث رشد همدلی^۲ بین زوج‌ها می‌شود (مک‌گلوک، راجال، سانداچ، ورتینگتون، براون و همکاران، ۱۹۹۸). در واقع رفتارهای بخشندگی می‌تواند با ایجاد تغییرات مثبت در پویایی‌های روابط زناشویی، امکان رشد شخصی و بین فردی را فراهم کند (لئو، ۲۰۱۱). افرادی که قادر به بخشش همسر خود هستند به تقدس رابطه زناشویی معتقدند و این توانایی بخشش همسر، به استحکام بیشتر رابطه زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد (ماگیار، ۲۰۰۱؛ به نقل از احتشام زاده، مکوندی و باقری، ۱۳۸۸). پژوهش‌های مختلفی در مورد نقش بخشش در بهبود روابط زناشویی و رابطه آن با نارضایتی و دلزدگی زناشویی انجام شده‌اند که به رابطه منفی بخشش و دلزدگی زناشویی اذعان داشته‌اند (دغاغله، عسگری و حیدری، ۱۳۹۱؛ غفوری، مشهدی و حسن‌آبادی، ۱۳۹۲). لسیگا (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بخشندگی از طریق افزایش همدلی، باعث کاهش

1- forgiveness

2- empathy

دل‌زدگی زناشویی و به تبع آن، افزایش رضایت در رابطه شود. پژوهش‌ها برای وایت و همکاران (۲۰۱۱) نیز نشان داد که بخشندگی از طریق افزایش تمایل فرد برای حفظ رابطه و کاهش تعارض زناشویی، نقش مهمی در افزایش رضایت زناشویی و به تبع آن، کاهش دل‌زدگی زناشویی ایفا می‌کند. در حوزه‌ی روان‌شناسی کودک و خانواده پژوهش‌های معدودی در ارتباط تاب‌آوری و کیفیت زندگی صورت گرفته است. پژوهشی که شاین، سیم کیم (۲۰۰۴)؛ به نقل از کربلایی شیری فرد، (۱۳۸۵) بر روی تاب‌آوری و کیفیت زندگی انجام داده‌اند؛ نشان می‌دهد که افزایش تاب‌آوری می‌تواند موجب بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی گردد. از طرف دیگر، بررسی و مطالعه خانواده به‌عنوان عمده‌ترین نهاد اجتماعی و اولین نظام مؤثر بر نحوه رشد و تحول کودکان و نوجوانان (سامانی، ۱۳۸۱)؛ به نقل از زارع، (۱۳۸۷)، از دیرباز مورد کنکاش محققان بوده است. در پژوهش‌های صورت گرفته توسط سامانی و همکاران (۱۳۸۵) و جوکار (۱۳۸۶) به رابطه مثبت بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی (از مؤلفه‌های کیفیت زندگی) اشاره شده است، اما همچنان کمبود پژوهش در زمینه رابطه بین تاب‌آوری و کیفیت زندگی بسیار مشهود است. پژوهش‌های متعددی در رابطه با فرسودگی زناشویی نشان می‌دهد که بین فرسودگی زناشویی و باورهای غیرمنطقی (بالور، ۲۰۰۶ و ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴؛ عامری، ۱۳۸۹) و نگرش مثبت و فرسودگی زناشویی (نیلز، ۲۰۰۹؛ لی، ۲۰۰۹) و رابطه صمیمی با همسر و فرسودگی زناشویی (نادری، افتخار، آملازاده، ۱۳۸۹) و وابستگی خاص نسبت به همسر و فرسودگی زناشویی (عامری، ۱۳۸۹) و الگوهای اسنادی در زوجین و فرسودگی زناشویی (شریفی، کارسولی، بشلیده، ۱۳۹۰) و کیفیت روابط زناشویی و فرسودگی زناشویی (موسوی زاده، ۱۳۸۸) و فرسودگی زناشویی و فرسودگی شغلی (پاینز و نانز، ۲۰۰۹؛ نویدی، ۱۳۸۴) رابطه معناداری وجود دارد؛ اما در زمینه ارتباط مستقیم کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی پیشینه تحقیقاتی موجود نمی‌باشد یا اگر وجود داشته باشد محدود است. بنابراین هرچند در مورد متغیرهای کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی به طور جداگانه پژوهش‌هایی محدودی انجام شده، اما رابطه بین این سه متغیر مورد بررسی قرار نگرفته و خلاء پژوهشی در این زمینه محسوس است. از این رو پژوهش

حاضر احتمالاً برای نخستین بار به تبیین رابطه کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی معلمان پرداخته است. بنابراین هدف از انجام این پژوهش تعیین رابطه میان کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی در معلمان متأهل کرمانشاه است.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان زن متأهل شهر کرمانشاه در سال ۹۶-۹۵ بود. نمونه این پژوهش مشتمل بر ۲۶۹ نفر از جامعه مذکور بود که برای آن‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا از بین ۳ ناحیه موجود در کرمانشاه به صورت تصادفی ناحیه ۳ انتخاب و پس از لیست کردن کل مدارس این ناحیه، چند مدرسه را به صورت تصادفی انتخاب کرده و سپس ۲۶۹ پرسشنامه در بین دبیران زن متأهل توزیع گردید. از آنجاکه تعدادی از پرسشنامه‌ها به صورت کامل پر نشده بودند داده‌های مربوط به ۲۰۰ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور تجزیه تحلیل داده‌های این پژوهش از شاخص‌ها و روش‌های آماری نظیر میانگین، انحراف معیار، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام از نرم‌افزار SPSS-۱۹ استفاده شد.

ابزار

پرسشنامه کیفیت زندگی (SF-36): این پرسشنامه ۳۶ عبارتی توسط وار و شربون (۱۹۹۲) در کشور آمریکا طراحی شد، هدف از طرح این مقیاس ارزیابی حالت سلامت از ابعاد جسمانی و روانی است. این پرسشنامه یک پرسشنامه معتبر است که به طور گسترده برای ارزیابی کیفیت زندگی به کار برده می‌شود. پرسشنامه کیفیت زندگی دارای ۸ مقیاس است: ایفای نقش جسمی، ایفای نقش هیجانی، قلمرو جسمی، سلامت روانی، سرزندگی، عملکرد اجتماعی، سلامت عمومی و درد بدنی است. نمره حاصل در این پرسشنامه بین صفر تا صد است. که هرچه نمره بالاتر باشد حاکی از بالاتر بودن کیفیت زندگی فرد است. نقطه برش در نظر گرفته شده برای این مقیاس حدوداً ۴۶ است (وار و شربون، ۱۹۹۲). روایی و پایایی این پرسشنامه در مطالعات متعددی بررسی شده است و

مطالعات متعددی در ایران نیز از آن استفاده کرده‌اند. وار و شربورن، ثبات درونی این پرسشنامه با بررسی آلفای کرونباخ ۰/۹۴ اعلام کرده‌اند. در پژوهش منتظری و همکاران (۱۳۸۴) نشان داده شد که گونه فارسی ابزار کیفیت زندگی از پایایی و روایی مطلوبی برخوردار است و بر اساس روش آلفای کرونباخ پایایی زیرمقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (منتظری و همکاران، ۱۳۸۴). نمرات هر یک از سؤالات، شاخص‌ها و نمره کلی کیفیت زندگی بین دامنه صفر تا صد قرار دارد، که نمره صفر بدترین و نمره صد بهترین وضعیت کیفیت زندگی را نشان می‌دهد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۷۸ به دست آمد.

مقیاس تاب‌آوری: مقیاس تاب‌آوری (CD-RISC؛ کانر-دیویدسون، ۲۰۰۳) یک ابزار ۲۵ سؤالی است که سازه‌ی تاب‌آوری را در اندازه‌های پنج‌درجه‌ای لیکرت از یک تا پنج می‌سنجد. نتایج مطالعه‌ی مقدماتی مربوط به ویژگی روان‌سنجی این مقیاس، پایایی و روایی آن را تأیید کرده است. همسانی درونی، پایایی بازآزمایی و روایی همگرا و واگرا به مقیاس کافی گزارش شده‌اند. این مقیاس در فرم فارسی در مطالعات قبلی از روایی و پایایی خوبی برخوردار بوده است (بشارت، ۱۳۸۶) و در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۸۴ است.

مقیاس بخشش (FS): رای و همکاران (۲۰۰۱) مقیاس بخشش^۱ را تدوین کردند. مقیاس اصلی دارای ۱۶ گویه بود و پس از انجام تحلیل عاملی، ۱ گویه آن حذف و به ۱۵ گویه تبدیل شد. سؤالات در مقیاس لیکرت و در یک طیف ۵ گزینه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم)، طراحی شده‌اند که نمره‌گذاری سؤالات ۱، ۳، ۴، ۵، ۸، ۱۰، ۱۲ و ۱۴ معکوس است (رای و همکاران، ۲۰۰۱). در این مقیاس میزان گذشت به سه سطح کم (۰-۲۱)، متوسط (۲۲-۴۲) و زیاد (۴۳-۶۵) طبقه‌بندی شده است (زندگی پور و یادگاری، ۱۳۸۶). رای، این مقیاس را با پرسشنامه بخشش انرایت^۲ مورد مقایسه قرارداد. همبستگی به دست آمده به شیوه هم‌تاسازی ۰/۵۰- تا

^۱- Forgiveness Scale (FS)

^۲- Enright Forgiveness Inventory (EFI)

۰/۷۵ به دست آمد که نسبتاً بالا بود (رای و همکاران، ۲۰۰۱). در ایران نیز آلفای کرونباخ این آزمون توسط زندگی پور و یادگاری (۱۳۸۶) ۰/۹۶ به دست آمد. همچنین در تحقیقی که زندگی پور و همکاران (۱۳۹۰) انجام دادند، پایایی این آزمون به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و به روش دونیمه سازی ۰/۸۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به دست آمد.

مقیاس دلزدگی زناشویی پاینز: به منظور اندازه گیری میزان دلزدگی زناشویی زوجین از مقیاس ۲۱ سؤالی دلزدگی زناشویی پاینز استفاده شده است. در این مقیاس، نمرات بالاتر نشان دهنده دلزدگی بیشتر است و حد بالای نمره، ۱۴۷ و حد پایین نمره، ۲۱ است (پاینز، ۱۹۹۶). نویدی (۱۳۸۴) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ در مورد ۲۴۰ نمونه ۰/۸۶؛ و ضریب پایایی به روش بازآزمایی را در فواصل یک، دو و چهار ماه ۰/۸۹، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ درصد گزارش کرده است. ضریب پایایی این آزمون در پژوهش حاضر با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۹ درصد به دست آمد.

یافته‌ها

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار کیفیت زندگی، تاب آوری، بخشندگی و دلزدگی زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
تاب آوری	۲۰۰	۸۷/۲۶	۱۵/۶۱	۵۱	۱۲۱
بخشندگی	۲۰۰	۵۳/۵۲	۱۰/۱۳	۲۸	۷۵
کیفیت زندگی	۲۰۰	۱۰۰/۲۰	۹/۴۵	۶۸	۱۲۲
قلمرو جسمی	۲۰۰	۷/۶۳	۲/۴۴	۱	۱۱
ایفای نقش جسمی	۲۰۰	۲۹/۶۱	۶/۳۳	۱۳	۲۹
ایفای نقش هیجانی	۲۰۰	۴/۸۸	۲/۱۴	۵	۷
سلامت روانی	۲۰۰	۲۲/۹۶	۴/۵۱	۵	۲۸
سلامت عمومی	۲۰۰	۱۴/۸۸	۲/۱۶	۶	۲۱
سرزندگی	۲۰۰	۱۳/۸۱	۳/۱۱	۳	۲۳
عملکرد اجتماعی	۲۰۰	۵/۴۴	۲/۰۱	۳	۱۲
درد بدنی	۲۰۰	۵/۴۶	۱/۶۲	۳	۹

با توجه به جدول شماره ۱، میانگین تاب آوری، کیفیت زندگی و بخشندگی به ترتیب ۸۷/۲۶، ۱۰۰/۲۰ و ۵۳/۵۲ است. همچنین انحراف معیار مقیاس‌های تاب آوری، کیفیت زندگی و بخشندگی به ترتیب ۱۵/۶۱، ۹/۴۵ و ۱۰/۱۳ است. سایر مقادیر در جدول ۱ آمده است.

برای بررسی رابطه کیفیت زندگی، تاب آوری و بخشندگی با دلزدگی زناشویی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین کیفیت زندگی، تاب آوری و بخشندگی با دلزدگی زناشویی به ترتیب همبستگی $-0/38$ ، $-0/32$ و $-0/29$ وجود دارد که این ضرایب همبستگی در سطح $P \leq 0/001$ معنادار است.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین کیفیت زندگی، تاب آوری و بخشندگی با دلزدگی زناشویی

دلزدگی زناشویی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
قلمرو جسمی	$-0/33$	$0/001$
عملکرد اجتماعی	$-0/32$	$0/001$
ایفای نقش جسمی	$-0/35$	$0/001$
ایفای نقش هیجانی	$-0/36$	$0/001$
سلامت روانی	$-0/46$	$0/001$
سرزندگی	$-0/47$	$0/001$
درد بدنی	$0/28$	$0/001$
نمره کل کیفیت زندگی	$-0/36$	$0/001$
تاب آوری	$-0/34$	$0/001$
بخشندگی	$-0/29$	$0/001$

مؤلفه‌های

کیفیت

زندگی

با توجه به جدول شماره ۲، بین مؤلفه‌های کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دلزدگی زناشویی رابطه منفی معناداری وجود دارد که این ضرایب همبستگی در سطح $P \leq 0/001$ معنادار است. به این معنا که هر چه کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی در افراد بالاتر باشد، میزان دلزدگی زناشویی در آنان کمتر است و بالعکس. ضرایب همبستگی‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است. به منظور بررسی اینکه چه مقدار از واریانس دلزدگی زناشویی معلمان، توسط کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی آنان تبیین می‌شود، از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. بدین منظور، متغیر دلزدگی زناشویی به عنوان متغیر ملاک و مؤلفه‌های کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی در گام پنجم به عنوان متغیر پیش‌بین وارد مدل رگرسیونی شدند. نتایج حاصل در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی دلزدگی زناشویی توسط کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی

sig	t	β	B	متغیر پیش‌بین	sig	F	R ^۲	R
0/005	-1/21	-0/16	-0/16	تاب‌آوری	0/001	12/58	0/33	0/56
0/005	-2/36	-0/18	-0/36	بخشندگی				
0/001	2/89	-0/26	1/1	سرزندگی				
0/005	-2/66	-0/55	-1/55	سلامت روانی				
0/002	-2/66	-0/17	-0/44	ایفای نقش جسمی				

نتایج حاصل از مدل رگرسیونی در جدول شماره ۳ نشان داد از هشت مؤلفه کیفیت زندگی فقط سرزندگی، سلامت روانی و ایفای نقش جسمی و نمره کل تاب‌آوری و بخشندگی در گام پنجم وارد مدل رگرسیونی شدند و توانستند حدود ۳۳ درصد از واریانس دل‌زدگی زناشویی را تبیین کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی رابطه کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی صورت گرفت. در خصوص رابطه بین متغیرها باید اشاره کرد که میان کیفیت زندگی و دل‌زدگی زناشویی رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت به نحوی که با افزایش کیفیت زندگی، دل‌زدگی زناشویی کاهش می‌یافت. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که ارتباطات زناشویی یکی از عناصر مهم در کیفیت زندگی است و به‌عنوان یک عامل حمایتی در مقابل مشکلات مرتبط با سلامت در نظر گرفته می‌شود (آندرسون و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین مؤلفه‌های کیفیت زندگی با تاب‌آوری، همبستگی مثبت و معناداری با دل‌زدگی زناشویی داشتند. تاگید و فردریکسون (۲۰۰۴) و کارل چسین (۲۰۰۴) در پژوهش‌های جداگانه نشان دادند که سطوح بالای تاب‌آوری به فرد کمک می‌کند تا از عواطف و هیجان‌های مثبت به‌منظور پشت سر نهادن تجربه‌های نامطلوب و بازگشت به وضعیت مطلوب استفاده کند. افزایش تاب‌آوری می‌تواند موجب بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی گردد (شاین، سیم و کیم، ۲۰۰۴؛ به نقل از کربلایی شیری فرد، ۱۳۸۵). یافته‌های این مطالعه با نتایج پژوهش‌های سامانی و همکاران (۱۳۸۵) و جوکار (۱۳۸۷) همسو است. توانمندی به فرد تاب آور کمک می‌کند تا شرایط استرس‌زا را مدیریت کند و در مقابله با مصائب و ناملایمات زندگی نه‌تنها جان سالم به دربرد (بونانو، ۲۰۰۴). تاب‌آوری فرایندی پویا است که به متن زندگی وابسته است، وقتی به‌طور موفقیت‌آمیز کسب شود قابلیت‌های فردی را تقویت می‌کند و به‌طور کلی به مفهوم پیامدهای مثبت، به‌رغم تجربه‌های ناگوار، ناملایمات، عملکرد مثبت و مؤثر در شرایط ناگوار و بهبودی بعد از یک ضربه مهمی باشد (ماستن و همکاران، ۲۰۰۱). در پژوهش حاضر بخشندگی نیز با دل‌زدگی

زناشویی رابطه منفی و معنادار داشت که این یافته با مطالعات برایت وایت و همکاران (۲۰۱۱)، تقی پورجوان و همکاران (۱۳۹۱)، غفوری و همکاران (۱۳۹۲) و فینچام و همکاران (۲۰۰۴) هماهنگ است. در تبیین رابطه منفی (بخشش با دل‌زدگی زناشویی، نتایج مطالعات باکوس (۲۰۰۹) گویای این مطلب بود که هنگامی که فرد قادر به بخشش باشد، رابطه میان هتک حرمت^۱ و رضایت زناشویی ضعیف، تعدیل می‌شود. لذا توانایی بخشش همسر می‌تواند به پایداری رابطه و افزایش رضایت زناشویی منجر شود؛ بنابراین بخشندگی با توقف پاسخ‌های خصمانه آشکار و نهان، باعث کنترل تکانه‌های پرخاشگری، کاهش تعارض زناشویی و دل‌زدگی در روابط زناشویی می‌شود. از طرفی درباره رابطه (منفی) بخشش با تعارض زناشویی فلانگان و همکاران (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیده‌اند که بخشش شامل جانشین کردن عواطف منفی با شفقت^۲ و بردباری^۳ است و در روابط صمیمانه، باعث رشد همدلی بین زوجین می‌شود. بخشش مکانیسمی است که به صورت پیشگیرانه عمل می‌کند و هم بخشش در زمان بروز تعارض و هم پس‌از آن، از طریق افزایش احساسات مثبت و همچنین اعتمادسازی در رابطه، باعث کاهش روند افزایشی تعارض‌های شدید زناشویی می‌گردد. ادبیات پژوهشی گسترده‌ای در رابطه با تاب‌آوری و کیفیت زندگی و بخشندگی وجود دارد و همچنین در رابطه با این متغیرها با دل‌زدگی زناشویی به صورت مجزا پژوهش‌های متنوعی صورت گرفته است؛ اما پژوهشی در رابطه با تاب‌آوری، کیفیت زندگی و بخشندگی با دل‌زدگی زناشویی صورت نگرفته است. برقراری رابطه بین مطالب مذکور و انجام مداخلات آموزشی در این زمینه می‌تواند گامی در جهت غنی کردن ادبیات پژوهش موجود باشد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از نتایج پژوهش حاضر به نظر می‌رسد که کیفیت زندگی، تاب‌آوری و بخشندگی می‌توانند دل‌زدگی زناشویی را پیش‌بینی کنند. البته با توجه به این که پژوهش حاضر بر روی معلمان انجام شده است، در زمینه تعمیم این یافته‌ها به دیگر افراد باید احتیاط نمود و پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی

1- irreverence

2- compassion

3- patience

بر روی دیگر افراد انجام شده و یافته های به دست آمده از آنان با یافته های پژوهش حاضر مقایسه شود تا بتوان در زمینه تعمیم یافته های پژوهش نیز تصمیم مناسبی اتخاذ شود.

منابع

- ادیب راد، نسترن و ادیب راد، مجتبی (۱۳۸۴). بررسی رابطه باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان خواهان ادامه زندگی مشترک. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۴ (۱۳)، ۹۹-۱۱۰.
- احتشام زاده، پروین؛ مکوندی، بهنام و باقری، اشرف (۱۳۸۸). رابطه بخشندگی، کمال‌گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آن‌ها. مجله یافته‌های نو در روانشناسی، ۱۲، ۱۳۶-۱۲۳.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). تاب‌آوری، آسیب‌پذیری و سلامت روانی. مجله علوم روان‌شناختی، ۲۴، ۸۳-۷۳.
- پاینز، آیالامالاج (۱۹۹۶). چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه‌ی فاطمه شاداب (۱۳۸۱) تهران: انتشارات ققنوس.
- تقی پورجوان، عباسعلی؛ حسن نتاج جلوداری، فهیمه و یارمحمدیان، احمد (۱۳۹۱). رابطه بین بخشش، تعارضات زناشویی و سلامت روان در دانشجویان متأهل، مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان.
- جوکار، بهرام (۱۳۸۶). نقش واسطه‌های تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی. فصلنامه روان‌شناسی معاصر، دوره دوم، شماره دوم، پاییز ۸۶.
- خواصی، لیلا (۱۳۹۲). معنای حریم همسران در ازدواج‌های موفق (حریم و مرزهای زناشویی در مواجهه با عامل یا شخص سوم). تهران: انتشارات قطره.

- زارع، مریم؛ سامانی، سیامک (۱۳۸۷). بررسی نقش انعطاف‌پذیری و انسجام خانواده در هدف‌گرایی فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- دغاغله، فاطمه؛ عسگری، پرویز و حیدری، علیرضا (۱۳۹۱). رابطه بخشندگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. مجله یافته‌های نو در روانشناسی، ۲۴، ۶۹-۵۷.
- زندی پور، طیبه و یادگاری، هاجر (۱۳۸۶). ارتباط بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متأهل غیربومی دانشگاه‌های تهران. مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۳، ۱۲۲-۱۰۹.
- زندی پور، طیبه؛ آزادی، شهذخت و ناهیدپور، فرزانه (۱۳۹۰). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، بخشش و سلامت روان در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت گچساران. فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، ۲، ۱۸-۱.
- سامانی، سیامک (۱۳۸۵). بررسی مدل علی همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی و سازگاری. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شیراز، شیراز.
- شریفی، مرضیه؛ کارسولی، سلیمان و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۰). اثربخشی بازآموزی اسنادی در کاهش فرسودگی زناشویی و احتمال وقوع طلاق در زوجین متقاضی طلاق، روان‌درمانی و مشاوره خانواده، ۱(۲)، ۲۲۵-۲۱۲.
- عامری، زینب (۱۳۸۹). رابطه بین وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیرمنطقی زناشویی در دبیران متأهل اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز (چاپ‌نشده).
- عطاری، یوسف علی؛ حسین پور، محمد و راهنورد، سیما (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به شیوه برنامه‌ی ارتباطی زوجین بر کاهش دل‌زدگی زناشویی در زوجین. مجله‌ی اندیشه رفتار، ۴(۱۴)، ۳۴-۲۵.

- غفوری، سمانه، مشهدی، علی و حسن آبادی، حسین (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشندگی در افزایش رضایتمندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد. مجله اصول بهداشت روانی، ۱، ۴۱۸-۴۰۶.
- کربلایی، شیرین فرد (۱۳۸۵). ساخت و هنجاریابی پرسشنامه‌ای برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی خانواده‌هایی با فرزند کم‌توان ذهنی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته سنجش و اندازه‌گیری. دانشگاه علامه. پایان‌نامه چاپ‌نشده. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- موسوی زاده، طاهره (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش معنا درمانی بر کاهش دل‌زدگی زناشویی زنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ‌نشده).
- میرشمسی، فاطمه (۱۳۸۸). ارتباط بین هوش و کیفیت معنوی زندگی برای دانشجویان فنی - دانشگاه آزاد مهندسی یزد در عموم مردم و در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۷. پایان‌نامه. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- منتظری، علی؛ گشتاسبی، آرزو و وحدانی نیا، مریم (۱۳۸۴). ترجمه، اعتبار فرم فارسی ابزار استاندارد SF-36؛ ۵ (۱)، ۴۹-۵۶.
- نویدی، فاطمه (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه رابطه دل‌زدگی زناشویی با عوامل جوسازمانی در کارکنان ادارات آموزش و پرورش و پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران. پایان‌نامه‌ی چاپ‌نشده‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی مشاوره. دانشگاه شهید بهشتی.
- نادری، فرح؛ افتخار، زهرا و آملازاده، صغری (۱۳۸۹). رابطه ویژگی‌های شخصیت و روابط صمیمی همسر با دل‌زدگی زناشویی در همسران معتادان مرد اهواز. یافته‌های نو در روانشناسی، ۴ (۱۱)، ۷۸-۶۱.

- نعیم، سامیه (۱۳۸۷). رابطه دلزدگی زناشویی، رابطه صمیمی باهمسر، تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام. پایان‌نامه‌ی چاپ‌نشده‌ی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز.
- نادری، فرح؛ حیدری، علیرضا و مشعل پور، مرضیه (۱۳۸۷). رابطه انعطاف‌پذیری کنشی، عاطفه مثبت و منفی با خودکارآمدی و رضایت شغلی در کارکنان شهرداری اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی، دوره ۳، شماره ۹، صص ۲۴-۷.
- Alvord, C. B., Bcgar & Diana, H. (2006). Resiliency Determinats and resiliency processes among female adult surnivors of childhood sexual abuse.
- Anderson, M., Trudel, S., Bounader, L., Boyer, A., & Villeneuve, F. (2008). Effects of a marital and sexual enhancement intervention for retired couples: The marital life and aging well program. *Journal of sexologist*, 17, 265- 276.
- Albert, U., mania, G., Bogetto, F., Chiorle, A., Matain-Cols, D. (2010). Clinical predictors of health-related quality of life psychiatry, 51, 193-200.
- Bonanno, G. A. (2004). *Loss. Trauma and human resilience*. American.
- Balver, R.T. (2006). Professional nursing burnout and irrational thinking. *Journal article Springer link*, 12, 23-135.
- Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2011). Forgiveness and relationship satisfaction: Mediating mechanisms. *Journal of Family Psychology*, 4, 551-559.
- Backus, L. N. (2009). *Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy Dissertation for Master of Arts*, Graduate College of Bowling Green State University.
- Broman, C. L. (1988). Satisfaction among Blacks: The significance of marriage and parenthood psychologist, 59, 20-28.

- Connor, K. M. & Davidson, J. R. T. (2003). Development of new resilience scale: the connor- Davidson, Resilience scale (CD-RISC). *Depression and anxiety*, 18, 76-82.
- Carle, A.C., & Chassion, L. (2004). Resilience in a community sample of children of alcoholics: Its prevalence and relation internalizing symptomatology and positive affect. *Journal of Applied Development Psychology*, (25), 577-596.
- Chung, M. S. (2014). *Pathways between attachment and marital satisfaction: The your emotional and financial security*. Miami: Jules Mazzarantani PLLC.
- Fincham F. D., Beach S. R., & Davila J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 1, 72-81.
- Flanagan, K. S., Vanden Hoek, K. K., Ranter, J. M., & Reich, H. A. (2012). The potential of forgiveness as a response for coping with negative peer experiences. *Journal of Adolescence*, 35, 1215-1223.
- Gameiro, S., Nazaré, B., Fonseca, A., Moura-Ramos, M., & Cristina Canavarro, M. (2011). Changes in marital congruence and quality of life across the transition to parenthood in couples who conceived spontaneously or with assisted reproductive technologies. *Fertility and Sterility*, 96(6), 1457-1462.
- Hanstad, B. (1999). The stability of quality of life experience in people with type 1 diabetes over a period of years. *Journal of nursing*, 12(3), 192.
- Kayser, K. (1996). The marital disaffection scale: An inventory for assessing motional estrangement in marriage. *The American Journal of Family Therapy*, 24 (1), 68-80.
- Lingren, H.G. (2003). marriage burnout. [Http://utahmarriage.org](http://utahmarriage.org).
- Luthar, S. S., & Cicchetti, D. (2000). The construct of resilience. Implications for interventions and social policies. *Development and psychology*, 12, 857-885.
- Luthar, S. S. (2006). *Resilience in development and psychology*, pp. 739-795.

- Lee, A. (2009). Preventing burnout to save your marriage. <http://ezine articles.com>.
- Liceaga, M. D. (2013). *You stay, no matter how bad”: Women voice the trajectory of marital disaffection*. A Thesis Presented to the Faculty of San Diego State University.
- Leo, K. M. (2011). *The experience of forgiving in the marital relationship*. Dissertation for Doctor of Philosophy, Nursing Seton Hall University.
- Masten, A. (2001). Ordinary magic: resilience processes in development. *American psychologist*, 56, 227-228.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington, E. L. Jr., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving on close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of Personality and Social Psychology*, 6, 1586-1603.
- Newa check, P. W., & Taylor, W. R. (1992). Childhood chronic illness: prevalence severity and impact. *American journal of public health*, 82, 364-371.
- Norberg, M.M.; Calanari, J. E.; Cohen, R.J. & Riemann, B.C. (2009), Quality of life in obsessive-compulsive disorder: an evaluation of impairment and a preliminary analysis of the ameliorating effects of treatment, *Depression and Anxiety*, 25: 248-259.
- Neils, H. (2009). 13 sign of burnout and how to help you avoid it. <http://suu.edu/faculty/guble>.
- Peterman, A. H., Cella, D., & Rothrock, N. (2008). Evaluation of health related quality of life. [cited 2008 Nov24], Available from: <http://www.uptodate.com/>.
- Pines, A. M. & Nanws, R. (2009). The relationship between career and couple burnout: implication for career and couple counseling. *Journal Of employment counseling*, 42, 50-64.

- Pokorska, J., Farrell, A., Evanschitzky, H., & Pillai, K. (2013). *Relationship fading in business-to-consumer context*. In S. Sezgin, E. Karaosmanoglu, & A. B. Elmadag Bas (Eds.), EMAC 2013: 42nd Annual European Marketing Academy conference: Lost in translation. Istanbul: Turkey.
- Rye, M. S., Loiacono, D. M., Folck, C. D., Olszewski, B. T., Heim, T. A., & Madia, B. P. (2001). Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales. *Journal of Current Psychology*, 3, 260-277.
- Tugade, M. M., & Fredrickson, B. L. (2004). Resilient individuals use positive emotions to bounce back from negative emotional experiences. *Journal of Personality and Social Psychology*, (86), 320-333.
- Van plet. M.A. (2004). Crossover of burnout among health care professionals. *Journal of marriage and thefamily*, 85,210-230.
- Whooul Group (world Health organization Quality of life Group) (1993). study protocol for world health organization project to develop a quality of life assessment instrument (WHOQOL) Quality of life Research 2.

Relationship between quality of life, resiliency and forgiveness with marital disturbance of female teachers in Kermanshah city

Abstract

The purpose of this study was to determine the relationship between quality of life, resiliency and forgiveness with marital distress in female teachers in Kermanshah. This is a descriptive-correlational study and the sample consisted of 269 people who were selected using a Morgan table and multi-stage cluster sampling. Data were collected by questionnaires on quality of life, resiliency of Canner and Davidson and Forgiveness (FS), and Pains marital rate. The Pearson correlation coefficient and multiple regression were used to analyze the data. The results of the analysis showed that there is a negative relationship between quality of life, resiliency and forgiveness with marital bellowing, and quality of life, resilience and forgiveness can predict marital distress. Considering that quality of life, resiliency and forgiveness are significant predictors of marital maladjustment, it can be reduced by creating such capacity for marital distress.

Key words: quality of life, resilience, forgiveness, marital distress, teachers